

عنوان مقاله:

سطوح بازنمایی تجربه فنا از منظر راوی غزلیات شمس

محل انتشار:

مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، دوره 15، شماره 55 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسنده:

رشید کاکاوند - مربی گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

خلاصه مقاله:

فنا اگرچه در معنی لغوی نابودی است لیکن در مسیر عرفان، مرتبه بلندی از معرفت است که در محضر دوست، تجلی می یابد. هرکدام از عرفا، نظری و عملی، به این موضوع پرداخته اند. حکایات شورانگیزی از بزرگان عرفان نقل شده است که هر کدام اعتبار ایشان و نیز مفهوم واقعی فنا را بازمی نماید. بعد از جستجوی مفصل در جهان شگفت عرفا و یافتن نمونه هایی از نظریه های عرفا و صاحب نظران در تعریف و تعبیر ایشان در موضوع فنا، و پس از آن یافتن نمونه هایی از حکایات و تجربه های عملی فنا که در کتب و متون معتبر عرفانی نقل شده است، به غزلیات شمس رو کرده ایم. از خود بی خود شدن های مولانا جلوه ای از فنا است که از انتخاب اوزان ضربی و طرب انگیز، قافیه های مکرر میانی، برهم زدن قواعد زبان و حتی قالب شعری، هنجارشکنی های ریز و درشت زبانی و شعری، بیان پارادوکسی، تا ایجاد فضاهای وهم انگیز و اصطلاحات سوررئال را شامل می شود. برای هر کدام مصادیقی در غزل مولانا جستیم و در دسته بندی منظم قرار دادیم. راوی غزل های مولانا در سه موضع، با فنا مقابل می شود: هشیار، نیم هشیار و ناهشیار. راوی هشیار غزل ها آگاهانه و منطقی، از فنا می گوید و مریدان را آموزش می دهد و به تعبیری به شکل نظری از فنا می گوید و شرایط و جزئیات آن را بازمی نماید. راوی نیم هشیار این غزل ها می داند و از دانایی خود با حالی شیفته وار سخن می گوید؛ در واقع، در میانه هشیاری بارقه هایی از ناخودآگاه او می درخشد. اما راوی ناهشیار غزل های مولانا، لحظه ناگفتنی حضور و دیدار را مستحیل و از دست رفته روایت می کند. در این لحظات است که خواننده غزلیات شمس با لحظاتی شگفت و بی سابقه روبرو می شود؛ لحظاتی سرشار از حیرت و گیج کننده. نهایتاً تنوع شگفتی در غزلیات شمس ایجاد می شود که بخشی از هنجارشکنی های مولانا در قالب و وزن و قافیه و زبان را در برمی گیرد.

کلمات کلیدی:

فنا، غزلیات شمس، هشیاری، ناهشیاری، نیم هشیاری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1633257>

